

شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۸ • ۸ ذی الحجه ۱۴۴۰ • ۱۰ آگوست ۲۰۱۹

اخبار

روایتی از زندگی یک تخریب چی لشکر سیدالشهدا که خبرنگار بود

جعفر طهماسبی از روابان دفاع مقدس در مورد شهید علی اکبر طحانی می گوید: اهل شهریار بود و معلم آموزش و پرورش. متاهل هم بود. دوتا فرزند داشت.

خبرنگار افتخاری روزنامه کیهان هم بود. همیشه به ساک کوچولو دنبالش بود که توش به دفترچه چهل برگ کاهی و یک عدد دوربین ۱۳۵ میلمتری بود که روش برچسب موسسه کیهان خورده بود.

عکس هم که می گرفت سیاه و سفید بود. هرکجا میرفتیم آخر روز مینشست و خاطراتش رو مینوشت. مثل خبرنگارها خیلی تند و خرچنگ قورباغه مینوشت که حتی بعد ز نوشتن، خط خودش رو به سختی میخوند. سال ۶۷ داشت تحویل میشد و ما داشتیم از منطقه نودشه وارد شهر بیاره عراق میشدیم که کنار آبشاری ساکش رو باز کرد و دفترچه کاهیاش رو درآورد و شروع کرد تند تند نوشتن:

«لان وارد بیاره عراق شدیم و کنار آبشاری توقف کردیم تا هم ناهار بخوریم و هم دعای سال تحویل رو بخونیم». گفت: معلوم نیست تا غروب باشیم...

آخه توی مسیر که میامدیم وارد خاک عراق بشیم به چوپان با گوسفنداش وارد میدان مین کنار جاده شده بودن و گوسفندان روی مین های والمری رفته بودند و تکه های بدنشون در اطراف جاده پراکنده بود. منظره عجیبی بود و عجیب به هم ریخت.

چند روز به عملیات بیت المقدس ۴ مونده بود که دردم اخمشان توهمه.

گفتم: برادر چی شده. مگه کشتیهات غرق شده.

با عصبانیت گفت : دوربینم توی ساک نیست.

گفتم: شاید اشتباهی جاپجا شده.

گفت: برای بیت المال بود. از این عصبانیم که در نگهداریش سهل انگاری کردم.

گفتم: انشاءالله پیدا میشه. مواظب دفترچهات باش.

روز ۱۱فروردین ۶۷ به تعداد بچههای تخریب برای مین گذاری مقابل دشمن وارد منطقه شاخ شمیران شدند.

ایشون هم همراهشون بود. اونجا هم دنبال خبر و گزارش بود و خیلی از مسائلی که برای ما عادی بود و از کنارتش بی توجه رد می‌شدیم اون به دقت بررسی میکرد.

دشمن از صبح علی الطلوع آتش سنگینی برای پس گرفتن مواضعش از ما میریخت و همه رو کلافه کرده بود. به طوری که جرات خارج شدن از سنگر رو نداشتیم. احتمال تلفات بالا بود و فرماندهان تصمیم گرفتند بچه های تخریب عقب بیان و در یک فرصت دیگه ماموریتشان رو انجام بدنند. تازه بچه های تخریب به مقر عقبی اومده بودند. وقت ظهر بود که باهمپاهای دشمن سر و کله شون پیدا شد.

برای مباران عقبه واحدها و گردان ها اومده بودند که یه راکت شیمیایی هم نصیب چادرهای بچه های تخریب لشکر ۱۰سیدالشهدا(ع) شد و معلم و خبرنگار شهید علی اکبر طحانی، شهید دوم خانواده طحانی پرکشید.

بعد از شهادت علی اکبر نه دوربین پیدا شد و نه دفترچه های چهل برگ که گزارش ها و خاطراتش رو نوشته بود.

سفر جدید چین در ایران:

سفر گردشگری ایران در چین می شوم

چنگ هووا، سفیر جدید جمهوری خلق چین در ایران، درباره لغو روایید ورود چینی ها به کشورمان در گفتگو با خبرنگاران بیان کرد: ایران به صورت یک طرفه روایید را برای شهروندان چینی حذف کرده است ما هم در حال بررسی ایجاد تسهیلاتی برای ایرانیان جهت سفر به چین هستیم .
هر کشوری سیاست های کنسولی خودش را دارد و این مسئله باید با هماهنگی دو طرف صورت بگیرد.

وی افزود: چین کشوری بزرگ و دارای پیچیدگی های زیادی است به همین علت به ندرت قرارداد لغو روایید را با طرف های دیگر امضا می کند. اما ایران یک کشور دوست برای چین است. بنابراین ما حتما سعی می کنیم تسهیلاتی را برای سفر ایرانی ها به چین ایجاد کنیم.

سفیر چین در ایران بیان کرد: در دیدار با رئیس مجلس شورای اسلامی گفتیم که به عنوان سفیر گردشگری ایران در چین کار می کنم و برای توسعه گردشگری دو کشور تلاش خواهیم کرد.

ایران از منابع گردشگری فراوانی برخوردار است و ۲۲ میراث فرهنگی و دو میراث طبیعی دارد. این تعداد آثار جهانی موجب شده تا جایگاه دهم را به دست آورد. اما مردم عادی چین با ظرفیت های گردشگری ایران آشنا نیستند.

سفارت جمهوری چین در ایران وظیفه دارد روابط گردشگری دو کشور را توسعه دهد و مناطق گردشگری ایران را به چینی ها معرفی کند. با رئیس سازمان میراث فرهنگی ملاقات دارم و درباره این موضوع صحبت می کنم.

وی در ادامه بیان کرد: من تنها دو ماه است که در ایران شروع به کار کرده ام قبلا به آقای ظریف وزیر امور خارجه ایران هم گفته ام در ماموریت خود امیدوارم بتوانم از همه ۳۱ استان و ۲۴ میراث جهانی ایران بازدید کنم.

سفیر چین در ایران افزود: در سال ۲۰۱۸ حدود صد هزار ایرانی به چین سفر کردند.

علیرضا جباری‌داسستانی

زندگی روزمره ما آکنده از عناصری تکرارشونده و کلیشه‌ای هستند که امکان شکل‌گیری استرواتیپ‌ها (تفکرات قالبی) درباره ما را فراهم می‌کنند؛ تفکرات قالبی‌ای که از طریق تحمیل عناصر تکرارشونده به همه اعضای یک گروه، گسترش می‌یابد و در اندام، شکل‌های اغراق‌آمیز، تحقیرکننده و البته «خردکننده» به خود می‌گیرند. این فرایند یویژه در زمانه تخصص‌گرایی‌های ناشی از الگوهای صنعتی‌شدن جهان و نظام بوروکراتیک در حاشیه مناصب شغلی و کارمندارگی در حیات اجتماعی کنونی بسیار قابل توجه است. مثلا بارها دیده شده که برخی شغل‌ها و مناصب و مشغولیت‌ها به شکلی قالبی و اغراق‌گونه تفسیر می‌شوند تا دستمایه تحقیر قرار گیرند؛ این فرایند نهایتا به برساختن استرواتیپ‌هایی مناجماد که با حفظ شرایط کنونی، تا حد زیادی طبیعی و قهری به نظر می‌رسد.

استرواتیپ «رأنده تاکسی» را در نظر بگیرد و همه جوک‌ها و لطیفه‌هایی که درباره آن‌ها ساخته می‌شود: این «تحلیلگران مسائل مهم سیاسی در کف خیابان، البته با شیوهای موهوم» یا مثلا کارگران زحمت‌کش شهرداری‌ها را، که اگر فقط یک روز اعصاب زده و دست از کار بکشند، کلیت آنچه ما «محیط زندگی» می‌نامید، از شدت تعفن غریبال بین‌شود!تا همین چند سال پیش آنها در فرهنگ عمومی جامعه ایرانی به عنوان «سپور» و حتی «اشغالی» متعین شده و شغل دشوار و مهم‌شان به استرواتیپی تحقیرآمیز در حد «فحش» بدل شده بود. چنین تصورات قالبی‌ای هنوز هم به طور کامل از ذهنیت اعضای جامعه ایرانی حذف نشده و حتی در اشکال جدیدی در حال بازتولید است. تفکرات قالبی در خصوص اقوام و قومیت‌های مختلف کشور، در خصوص مهاجران افغانستانی، یا پاکستانی، درباره اعراب و… انواع دیگری از این وضعیت را برملا می‌کنند که از جهاتی بسیار تاسف‌بار است. اما هدف از این نوشته، تاکید بر این تاسف‌برانگیزی وضعیت فرهنگ عمومی در جامعه ایرانی نیست. امروز روز خبرنگار است و اشاره نهایی این نوشته به جایی دیگر!

به بحث تفکرات کلیشه‌ای و استرواتیپ‌ها برگردیم؛ اینکه بسیاری از استرواتیپ‌ها بی‌وجه ساخته نمی‌شوند، حرف درستی است؛ دلالی برای ظهور بسیاری از استرواتیپ‌ها وجود دارد و البته مقاومت‌هایی از درون هم. در بسیاری مواقع، دعوا بیشتر بر سر «تعمیم» استرواتیپ‌هاست و همین موضوع، تقابل درونی موجود در این گروه‌ها را به مسئله‌ای مهم بدل می‌کند. به مثال راننده تاکسی برگردیم؛ فرض کنید یک یا چند (ده‌ها، صدها و کالاهای پُر زرق و برق در عصر هوشمند هستند و به تحقیری که از ساخت استرواتیپ «تحلیلگر آیکی مسائل مهم سیاسی» متحمل شده‌اند، دست به مقاومتی درونی می‌زنند و نه تنها از هرگونه اظهارنظر و ارائه تحلیل آیکی اجتناب می‌کنند، بلکه وقتی در بین همکاران و مسافران لب باز

با توجه به اینکه تکنولوژی دالما در حال بهروز شدن است و هر روز محصول جدیدی از کالاهای لوکس با برندهای خارجی به بازار عرضه می‌شود و چشمان بچه‌ها به دنبال تیلت‌های گوناگون، رنگ‌بهرنگ و کالاهای پُر زرق در عصر هوشمند هستند و به نوعی در تقابل با عناصر سنتی قرار گرفته‌اند، تولید نوشت‌افزار امری سخت، غیرقابل‌پیش‌بینی و قابل تامل شده است که با عرضه دقیق و به‌جای آن دلققه مخاطب نسل جدید شکل می‌گیرد.

برگزاری نمایشگاه نوشت‌افزار ایرانی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با هدف ذائقه‌شناسی مخاطب، عرضه تولیدات داخلی با کیفیت و محصولات استرلیزه شده از اتفاقات موثر در اشاعه فرهنگ بومی از طریق کالاهای داخلی به نسل امروز است. گرچه اگر به نمایشگاه سر بزنیم خواهیم دید که هیچ‌چیز سرچایش نیست و به سختی تهویه هوا کار می‌کند و نفس کشیدن در نمایشگاه سخت است اما وجود نمایشگاه به تولیدکنندگان این حوزه در نیازسنجی محصولات کمک می‌کند و هم به مخاطبان.

البته تولیدکنندگان صنایع فرهنگی در حوزه نوشت‌افزار با نیازسنجی مناسب قصد در پُر کردن خلا و گسست میان تولیدات داخلی و بومی یا محصولات خارجی هستند تا بتوانند در دنیای تکنولوژی، تبلیغات گسترده و هدفمند، رهیخت فرهنگی قدرتمند و لوازم‌التحریرهای هوشمند راهی برای فرهنگ بومی خود باز کنند.

حضور ۱۰۰ تولیدکننده نوشت‌افزار در نمایشگاه «ایران ساخت» نشان از موفقیت تولیدات داخلی لوازم‌التحریر دارد. تولید نوشت‌افزار که شاید مواد اولیه آن به سختی در دسترس تولیدکنندگان قرار می‌گیرد و اگر هم قرار بگیرد، نبود دستگاه‌های پیشرفته یا فناوری به‌روز، ساخت محصولات را دشوار می‌کند، اما می‌بینیم تولیدکنندگان داخلی با هدف فرهنگ‌سازی و ترویج محصولات ایرانی دست به تولیدات قابل ملاحظه‌ای هر چند دیر اما مفید زده‌اند. گرچه حمایت‌های ضعیف دولتی، اقتصاد فلج، مشکلات کاغذ و… آنان را به ستوه آورده است اما همچنان در این مسیر تلاش می‌کنند تا به گفته خودشان آینده‌ای درخشان را برای نوشت‌افزار ایرانی رقم بزنند. سازمان دولتی کاغذ را با تیراژ سنگین و با اارز ۲۲۰۰ وارد می‌کند و به تولیدکننده با دلار به‌روز و گران می‌فروشد آن‌وقت ادعای حمایت هم دارند. تا زمانی‌که این سبک را جلو برویم صنعت ما فلج خواهد بود.

مسئولان دولتی ادعای حمایت دارند، اما هیچ حمایتی نمی‌کنند

«محمدحسن حلویان» مدیر و تولیدکننده نوشت‌افزار با عنوان «مجموعه حلقه‌های آسمانی» درباره وضعیت اقتصادی نوشت‌افزار و مشکلاتی که چهل محور این موضوع ق‌دعیم کرده است، می‌گوید: «تا زمانی‌که در حوزه صنایع فرهنگی و محصولاتاش در بخش اقتصادی وابستگی به دلار و کشورهای دیگر دارد، این هرج و مرج دولتی پابرجا است. داستان از این قرار است که در دولت اشکال بزرگی وجود دارد که از تولیدکننده داخلی هیچ‌گونه حمایتی نمی‌شود. شما فرض کنید همین مسئله کاغذ که صنایع مختلف را درگیر کرده است سوبسید کاغذ را به تولیدکننده نمی‌دهند بلکه به سازمان یا نهاد دولتی اختصاص می‌دهند، سازمان دولتی هم کاغذ را با تیراژ سنگین و با ارز ۴۲۰۰ وارد می‌کند و به تولیدکننده با دلار به‌روز و گران می‌فروشد آن‌وقت ادعای حمایت هم دارند. تا زمانی‌که این سبک را جلو برویم صنعت ما فلج خواهد بود.»

حمایتی که دولت و آقای رییس‌جمهور از آن حرف می‌زنند و فرمای این حمایت کاغذ ۱۵۰هزارتومان گران‌تر می‌شود!اسمش حمایت نیست

حاشیه‌ای مهم‌تر از متن در روز خبرنگار

تبریک بر همه جز بر قلم‌فروش



می‌کند، آنها را به مطالعه دقیق و یافتن بنیادها و شواهد متقن عقلانی برای سخنانشان دعوت می‌کنند. نمونه‌های این رانندگان تاکسی زیانده، ولی تحت سیطره یک هژمونی قالبی رایج و البته ناخواسته در حال خرد شدن و حذف هستند، احتمالا احساس درونی چنین رانندگانی «بودن در میان جمعی» است که جزئی از آن محسوب نمی‌شوند، عناصری که مدام و به شیوه‌های مختلف از آن جمع و جمعیت‌پرد می‌شوند و همواره دچار نوعی احساس جدافتادگی و تنهایی در دل یک گروه هستند که با قدرتی باورنکردنی به تجربه درونی «حذف شدن» اعضای نامتجانس خود دامن می‌زند.

اتفاقی که در حال رخ دادن است، چنین چیزی است: ماشین استرواتیپ‌ها با قدرتی خردکننده بر بدن اقلیت ناموزون و متمایز و تنهامانده در گروه‌ها می‌راند، خشک و تر را می‌سوزاند و صدای این خرد و له شدن هم به‌جایی نمی‌رسد؛ نه به هم‌گروهی‌ها و هم‌صنف‌ها، نه به برسانندگان همان ماشین استرواتیپ‌ها! تنها چیزی که حس می‌شود، تحقیر، خردشدن و حذف شدن است. همه این احساسات بین گروه‌هایی که در این سال‌ها قربانی تفکرات قالبی بوده‌اند مشترک است؛ از کارگران شهرداری و کارگران فصلی که صبح‌ها دور میدان‌های شهر منتظر می‌نشینند تا کسی آنها را به کاری بگمارد، بگیرید تا اعضای اقوام مختلفی مانند بلوچ‌ها و لرها و مهاجران افغانستانی و پاکستانی و عرب و… در همه این گروه‌ها، فارغ از ویژگی‌های عمومیت‌یافته در میان عده‌ای‌شان، پارامی (بازتعریف) عناصر اصیل آن گروه‌ها، مشاغل و …

حذف شدن هستند!
خب که چه؟ این‌ها چه ربطی به «روز خبرنگار» دارد؟ فرض کنید برای همه گروه‌ها و شغل‌هایی که در بالا مورد اشاره قرار گرفتند «مناسبت» و «روز ملی» و «روز بزرگداشت» و… تعیین کنند. مناسبت‌ها و روزهایی که تعیین آن‌ها، در واقع تلاشی است برای زدودن انواع و اقسام همان استرواتیپ‌ها، تفکرات قالبی و از این نظر ارائه تعریف و تعیین حد و مرزهای مشخص (بازتعریف) عناصر اصیل آن گروه‌ها، مشاغل و …

خرید لوازم تحریر کمر شکن است

ادعای پوچ حمایت دولتی صنایع فرهنگی ما را فلج کرده است

او درباره حمایت دولت از تولیدکنندگان داخلی ادامه می‌دهد:

«حمایتی که دولت و آقای رییس‌جمهور از آن حرف می‌زنند و فردای این حمایت، کاغذ ۱۵۰هزارتومان گران‌تر می‌شود! اسمش حمایت نیست. با توجه به اینکه چندسالی می‌شود به عنوان تولیدکننده در این حوزه فعالیت دارم یک رyal حمایت دولتی نگرفته‌ام و چهار سال هم تولیدکننده برتر نوشت‌افزار اسلامی شده‌ام.»

مدیر مجموعه «بچه‌های آسمانی» درباره شخصیت‌سازی و خلق کاراکتر می‌گوید: «در حوزه کاراکتر چند سالی می‌شود که تولیدکننده‌های مختلف با صنعت کاراکترمحوری جلو می‌روند، ببینید ما خمیرمایه را نداریم اگر هم داشته باشیم صداوسیمّا، هنرمندان و رسانه‌ها آن را گم کرده‌اند حتی صنعتگران هم آن را گم کردند زیرا کاراکترهای غربی را با هر اهدافی از اینترنت و شبکه‌های مختلف بدون هزینه استفاده می‌کنند و به عواقب فکر فکر نمی‌کنند که آن شخصیت به دین و آیین و مذهب ما جون درنمی‌آید! و آن کاراکتر غربی را بر روی تمام محصولاتی که از لحاظ فرهنگی تاثیرگذار است، تولید می‌کنند. در حالی‌که ما باید از شخصیت‌های ایرانی خودمان شانهمه، افسانه‌ها و اسطوره‌ها استفاده کنیم و این به معنای قهرمان‌پروری نیست. ما در این حوزه باید به دنبال قهرمان‌پروری باشیم نه استفاده از شخصیت‌های غربی برای فروش بیشتر و درآمد اقتصادی.»

این تولیدکننده نوشت‌افزار ادامه می‌دهد: «با توجه به اینکه در زمینه کاراکترسازی ضعیف هستیم باید اصول و اساس آن را یاد بگیریم تا بتوانیم شخصیت‌های ایرانی طبق آیین و مذهبمان را خلق کنیم تا کودکان و نوجوانان با آن همدان‌پنداری کنند و آن شخصیت را در دنیای فانتزی و خیالی‌شان راه بدهند. این سبک کار با روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تصویرگری مناسب همراه با رنگ و چیدمان می‌تواند برای مخاطبان جذاب باشد.»

او با اشاره به سخنان مقام معظم رهبری درباره نوشت‌افزار که دیدگاه‌شان ایرانی شدن نوشت‌افزار بود، ادامه می‌دهد: «ما در دورانی نگاهمان این بود که تمام کالاها باید فرهنگی شود اما مقام معظم رهبری به ایرانی بودن محصولات و کالاها اشاره دارند. شاید برخی از مواد اولیه را نتوانیم تولید کنیم اما می‌توانیم مونتاژ محصولات را درون گرایي کنیم تا زمانی‌که خودمان تولید کنیم رغبت خواهیم کرد از کاراکترهای بومی‌مان استفاده کنیم.»

تولیدکننده‌ها از شرایط کمبود واردات استفاده کنند
«مصطفی رحیمی‌معتمد» مدیر و تولیدکننده همراه با مجتبی رمضان‌پور مجموعه فرهنگی و هنری «فرمی‌نو» را با کمک یکدیگر مدیریت می‌کنند، رحیمی درباره بازار نوشت‌افزار و سختی‌های آن می‌گوید: «ما در مجموعه‌مان بیشتر سعی کردیم با کمک از نیروهای متخصص و زبده محصولاتی را تولید کنیم که برای فرزندان این مرز و بوم مفید واقع شود و به نوعی نوشت‌افزار ایرانی را به آنان معرفی کنیم تا با کالای ایرانی آشنا شوند. ما در این چنجیدگیم و از همه چیز گذشیم‌یم تا بتوانیم نوشت‌افزار ایرانی تولید کنیم.»
او ادامه می‌دهد: «البته برگزاری این نوع نمایشگاه کمک بزرگی به تولیدکننده‌ها می‌کند زیرا حضور مخاطبان و نقطه‌نظرات آنان به ما کمک می‌کند محصولانمان را از لحاظ کیفیتی ارتقا دهیم، ارتباط مستقیم با مخاطب از لحاظ ارائه خیلی به ما کمک می‌کند. البته حوزه نوشت‌افزار به شدت رو به تغییر است و اگر کسی از این شرایط و فرصت که واردات محصولات بسیار کم شده است استفاده کند قطعا در حوزه نوشت‌افزار موفق خواهد بود.»

صریحا از مسئولان دولتی می‌خواهیم که در هیچ زمینه‌ای ورود

مبتذل و تصورات قالبی دور از شرافت درباره ما، ذهنیت عمومی جامعه را یاری داده است، تبریک نگوییم و تنها این روز را به کسانی تبریک بگوییم که استخوانشان زیر چرخ‌های ماشین پیش‌رونده تصورات قالبی برساخته شده درباره این صنف، در حال خرد شدن است؛ کسانی که در اقلیتی رو به زوال قرار گرفته‌اند، اما هنوز قلمشان نشانه‌ای از اصالت، شرف و مقاومت در برابر «ششبه به همگان شدن» است.

بر این مبنا، من فقط این روز را به کسانی تبریک می‌گویم که به خاطر قطع نشدن فرایند ارسال یا تقدیم «کارت هدیه» از طرف نهادهای فعال در حوزه مربوطه‌شان ساکت نمی‌شوند! فقط به کسانی تبریک می‌گویم که برای حفظ موقعیت شغلی‌شان، حفاظت از شرافت قلمشان را از یاد نمی‌برند!

به عبارت دیگر این روزهای مناسبتی تلاشی برای زدودن تکرارها و کلیشه‌هایی است که حول آن گروه خاص شکل گرفته؛ نوعی بازنگری و تعمق بیشتر با هدف بازیابی هویت‌ها و ماهیت‌های مغفول‌مانده و دیده نشده در زیر خروارها کلیشه و تکرار قالبی زور بزرگداشت «فلان» باید چنین ویژگی‌ای داشته باشد و در این بین، خود اعضای اصناف «بزرگ داشته شده»، بیشتر از هر کسی، هر نهادهی، هر جراینی و… توان چنین بازنگری و بازاندیشی‌ای را خواهند داشت و این تنها راهی است که با آن می‌توان در یک حرکت جمعی همه انگ‌ها و برچسب‌ها، همه انواع استرواتیپ‌ها و تصورات قالبی و… را برای همیشه از پیکره این مرگ ما»، اصطلاحا متفکر و نویسنده و شاعر تازه به دوران رسیده‌ی کتاب‌ساز، و به طور کلی، کسی که اگر پاپارازی‌های رسانه‌ای را نداشتند، کسی آنها را به اسافل اعضایش هم نمی‌گرفت، تبدیل می‌کرد.

فقط به کسانی تبریک می‌گویم که تریبون رسانه‌ای که در اختیارشان قرار داده شده را به محل پرزنت و پرموت مشتی مسئول تشنه دیده‌شدن، سلبریتی دوزاری با ژست‌های «کشش مرگ ما»، اصطلاحا متفکر و نویسنده و شاعر تازه به دوران رسیده‌ی کتاب‌ساز، و به طور کلی، کسی که اگر پاپارازی‌های رسانه‌ای را نداشتند، کسی آنها را به اسافل اعضایش هم نمی‌گرفت، تبدیل می‌کنند. فقط به کسانی تبریک می‌گویم که تریبون رسانه‌ای که در اختیارشان قرار داده شده را به محل پرزنت و پرموت مشتی مسئول تشنه دیده‌شدن، سلبریتی دوزاری با ژست‌های «کشش مرگ ما»، اصطلاحا متفکر و نویسنده و شاعر تازه به دوران رسیده‌ی کتاب‌ساز، و به طور کلی، کسی که اگر پاپارازی‌های رسانه‌ای را نداشتند، کسی آنها را به اسافل اعضایش هم نمی‌گرفت، تبدیل می‌کنند.

فقط به کسانی تبریک می‌گویم که برای خاطر چند کلیک بیشتر یک تولید رسانه‌ای، جدیت را فدای ابتذال نمی‌کنند.
و در نهایت این روز را فقط به کسانی تبریک می‌گویم که «حرف مردم»، این ولی‌نعمتان، صاحبان انقلاب و همه چیزهایی که این مسندها و مناصب و تریبون‌ها و… را برای رسانه‌ای‌ها ایجاد کرد، در مطالب و تولیدات رسانه‌ای‌شان بسیار بسیار بیشتر از حرف مسئولاتی باشد که هر چه دارند از مردم دارند.

هیچ ایرادی ندارد اگر تعداد کسانی که می‌خواهم به آنها تبریک بگویم اندک بوده حتی هیچ ایرادی ندارد میزان استرواتیپ‌های ساخته شده از صنف خبرنگاران فعال در رسانه‌های دوران ما به اندازه کثرت برسان‌زدگانش در داخل همین رسانه‌ها باشد؛ مسئله مهمتر این است که «رییس‌تحت خبرنگار»، اگر معنایی داشته باشد، صرفا به خاطر حضور و کیفیت کار همان عده قلیل و انگشت‌شماری است که تجسم واقعی شرافت قلم و تنها لایقان بزرگداشت و تبرک عرصه آگاهی‌بخشی‌اند. «روز خبرنگار فقط بر آن‌ها مبارک!»

هیچ ایرادی ندارد اگر تعداد کسانی که می‌خواهم به آنها تبریک بگویم اندک بوده حتی هیچ ایرادی ندارد میزان استرواتیپ‌های ساخته شده از صنف خبرنگاران فعال در رسانه‌های دوران ما به اندازه کثرت برسان‌زدگانش در داخل همین رسانه‌ها باشد؛ مسئله مهمتر این است که «رییس‌تحت خبرنگار»، اگر معنایی داشته باشد، صرفا به خاطر حضور و کیفیت کار همان عده قلیل و انگشت‌شماری است که تجسم واقعی شرافت قلم و تنها لایقان بزرگداشت و تبرک عرصه آگاهی‌بخشی‌اند. «روز خبرنگار فقط بر آن‌ها مبارک!»
پیدا کنند و بگذارند مردم فعالیت‌های فرهنگی‌شان را انجام دهند
فعالیت‌های فرهنگی انجام شده در حوزه نوشت‌افزار ریشه‌ای و عمیق نیست
«همجتنی رمضان‌پور» که مدیران مجموعه «فرمی‌نو» درباره مشکلات و معضلات به‌وجود آمده حوزه نوشت‌افزار می‌گوید: «بالاخره نمی‌توان این معضل را نادیده گرفت که تولیدات در این حوزه روزبه‌روز کمتر می‌شود و شرایط به سخت‌تر، حتی پیش‌بینی شده که با این گرانی معضل کاهش پیدا می‌کند و به تبع تولید هم کمتر خواهد شد. از نظر فرهنگی فعالیت‌های صورت گرفته است ولی نمی‌توانیم به طور قطع بگوییم که این فعالیت‌ها ریشه‌ای و عمیق است زیرا که خیلی با انتظارات فاصله دارد.

مدیر مجموعه «فرمی‌نو» شرایط واردات و تولید محصولات را به نوعی به نفع تولیدکننده می‌داند و ادامه می‌دهد: «در دورانی که شرایط واردات سخت شده است تولید داخلی رونق پیدا می‌کند اما این موضوع مضراتی را با خود به همراه دارد اینکه رقبا در بازار کم می‌شود و با سوءاستفاده تولیدکنندگان مواجه خواهیم شد. باید به صورت کارشناسانه‌تر و حرفه‌ای‌تر عمل کنیم.»

آینده نوشت‌افزار ایرانی را در درخشان می‌بینم
«سعید قاسمی» مدیر نوشت‌افزار مجموعه «کاما» که در زمینه تولید دفترها با طرح شهدا فعال هستند، مشکل اصلی حوزه نوشت‌افزار را مکررا کاغذ و کاغذ و کاغذ می‌نامد و می‌گوید: «قیمت کاغذ متناسب با هیچ اجناسی نیست و فوق‌العاده گران شده است. همچنین شرایط برای تولیدکننده‌ها بسیار سخت شده است و تولیدشان را به یک‌سوم رسانده است. البته با وجود تمام این‌ها آینده نوشت‌افزار را درخشان می‌بینم که باید با جایگزین کاراکتر ایرانی و انجام دادن کار جهادی شرایط خوبی را محیا می‌کنیم.»
مدیر مجموعه نوشت‌افزار «کاما» صریحا از مسئولان دولتی می‌خواهد که در هیچ زمینه‌ای ورود پیدا نکنند و بگذارند مردم فعالیت‌های فرهنگی‌شان را انجام دهند. مردم هنوز با این موضوع گرانی نوشت‌افزار مواجه نشدنن اما به اعتقاد من تولیدکننده نوشت‌افزار برای خرید این محصولات کم مردم می‌شکند
کمر مردم از خرید نوشت‌افزار خواهد شکست
«روح‌الله رمضان‌پور» مدیر مجموعه نوشت‌افزار «فطرس» درباره وضعیت بد نوشت‌افزار می‌گوید: «در بخش نوشت‌افزار وضعیت اصلا خوب نیست. با توجه به اینکه نوشت‌افزار کالایی است که مردم با آن مستقیما در ارتباط هستند اما از سوی دولت هیچ‌گونه تخصیصی صورت نگرفته است. در همین‌رو، این امر باعث شده قدرت خرید مردم به شدت پایین بیاید. البته مردم هنوز با این موضوع گرانی نوشت‌افزار مواجه نشدنن اما به اعتقاد من تولیدکننده نوشت‌افزار، برای خرید این محصولات کم مردم می‌شکند.»
مدیر مجموعه نوشت‌افزار «فطرس» برای تولیداتمان مجموعه طراحی داریم که شاید درجه یک باشد اما یکسری از کاراکترها را نمی‌توانیم ما بسازیم یعنی شخصیت‌سازی وظیفه ما نیست بلکه رسانه‌ها باید وارد این حوزه شوند مثلا کاراکتری که باید شناخته شود باید به صورت مستمر از رسانه ملی پخش شود و مخاطب با آن ارتباط داشته باشد واکرنه تنها با خلق شخصیت نمی‌توان موفق بود. متأسفانه در کشور ما تولید و شخصیت‌سازی محصولات استمرار ندارند بلکه به صورت مقطعی کار می‌کنند در حالی‌که انیمیشن‌های خارجی به‌صورت مستمر برای کودکان پخش می‌شود و کودکان و نوجوانان با آن بیشتر آشنا می‌شوند.»

اخبار

در خانه کتاب برگزآور شد؛

مراسم گرامیداشت خبرنگاران کتاب برگزآور شد

مراسم گرامیداشت روز خبرنگار و تجلیل از خبرنگاران حوزه کتاب پیش از ظهر چهارشنبه ۱۶ مرداد با حضور نیکنام حسینی‌پور مدیرعامل خانه کتاب، قادر آشنا مدیرعامل موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، ایوب دهقانکار مشاور اجرایی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مهدی قرلی مدیرعامل بنیاد شعر و ادبیات داستانی، مهرداد دانش مدیر کل دفتر امور چاپ و نشر وزارت ارشاد، جمعی دیگر از مدیران فرهنگی و خبرنگاران حوزه کتاب در سالن علی عاشوری موسسه خانه کتاب برگزار شد.

در ابتدای این مراسم سید محمد طباطبایی مدیر روابط عمومی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد به بیان سخنانی درباره شغل خبرنگاری و چالش‌های خبرنگاری کتاب در کشور پرداخت. طباطبایی در بخشی از سخنرانی خود گفت: طی روزهای گذشته چند جشن برای گرامیداشت روز خبرنگار در کشور برگزار شده که در آن‌ها به جای خبرنگاران از مدیران رسانه‌ها و دیگر افراد دخیل در کار رسانه دعوت کردند. باید بگویم که برگزاری هر مراسمی برای روز خبرنگار که بدون حضور خبرنگاران برگزار شود، ابتر است. ایوب دهقانکار نیز دیگر مدبری بود که در این مراسم درباره خبرنگاران و رسالت خبری‌شان در تشابه با انبیا و پیامبران سخنرانی کرد.

در این مراسم همچنین تولد هادی حسینی‌نژاد خبرنگار کتاب خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) که در روز ۱۷ مرداد و روز خبرنگار مصادف شده، گرامی دانسته شد. تقدیر از خبرنگاران فعال در سه‌دهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و روابط عمومی بنیاد ادبیات داستانی، معاونت فرهنگی و خانه کتاب از دیگر بخش‌های این برنامه بود.

هدیه ویژه روز خبرنگار به خبرنگاران کتاب که در این برنامه ارائه شد، مجموعه دو جلدی تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی از «تذکرهٔالولیا»ی عطار نیشابوری بود.

این برنامه با برش کیک جشن روز خبرنگار به پایان رسید

بدون معرفی مفاخر فرهنگی به کودکان، تداوم مسیر فرهنگ دشوار است

کاوه خورابه معاون علمی، پژوهشی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به خبرنگار مهر گفت: فعالیت‌های انجمن آثار و مفاخر فرهنگی متمرکز بر بزرگداشت‌هایی است که برای مفاخر فرهنگی ایران برگزار می‌شود. در کنار این، مجموعه مکتوبی را تحت عنوان زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی آن شخصیت منتشر می‌کنیم تا مردم به عنوان منبعی برای معرفی آن شخصیت به صورت ماندگار باقی بماند.

کاوه خورابه ادامه داد: افزون بر این سه مجله «نامه انجمن»، «حکمت‌نامه مفاخر»، و «مفاخر ماندگار» را منتشر می‌کنیم. بخش دیگر از فعالیت‌های انجمن، متمرکز بر انتشار آثاری در حوزه‌های مختلف ایران‌شناسی، حکمت و فلسفه، ادبیات و تاریخ است.

به گفته وی، بخش بزرگداشت مفاخر در ۲۲ مردگاز می‌شوند. یک بخش بر ماه توسط هیات مدیره برگزاره و تجلیل می‌شوند. بخش دیگر، تجلیل از مفاخر تاریخی است. مثلا اگر باشد به نام عطار در تقویم نامگذاری شده است. یا روزی مثل ۱۴ مرداد که روز مسوولیت می‌باشد. در آن روز خاص برای آن شخصیت یا آن مناسبت خاص تاریخی، مراسم بزرگداشت خاص یا هم‌اندیشی برگزار می‌کنیم. از ابتدای سال تاکنون ۵ بزرگداشت گرفته شده است. خورابه در پاسخ به این پرسش که «آیا انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برنامه‌ای برای آشنا کردن کودکان و نوجوانان با مفاخر فرهنگی کشور دارد؟» توضیح داد: جایی مثل انجمن یا محدودیت‌های مالی در این زمینه مواجه است. افزون بر این، در تعریفی که برای این سازمان صورت گرفته، به این موضوع در شرح وظایف اشاره نشده است، اما در سازمان‌های دیگر این شرح وظایف وجود دارد.

وی با این حال تصریح کرد: اما همدلانه معتقدم که تا وقتی این آثار همگانی نشود و برای قشری که مهمترین پایه‌های اندیشه‌ای ما هستند؛ یعنی کودکان قابل فهم نباشد، ادامه دادن مسیر فرهنگی شوارتر می‌شود. من هم امیدوارم با تجربه‌ای در غرب آرموده شده و تمام مفاخر آن‌ها توسط ابزار جدید برای کودکان و نوجوانان ملموس شده‌اند، ما هم بتوانیم از این ابزار بهره بگیریم و بزگانی چون «بن سینا» را به راحتی برای کودکانمان معرفی کنیم به گونه‌ای که احساس کنند با این شخصیت‌ها زندگی می‌کنند.

تعیین مسیر سرگذشت کاغذ در سال ۹۸
اداره کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد، از زمان تشکیل کارگروه کاغذ در معاونت مطبوعاتی در اردیبهشت اسمال تاکنون مجموعا درخواست واردات ۲۳ هزار تن کاغذ روزنامه از ۱۰ موسسه یا شرکت «ژرفا تجارت مبین، چاپ و انتشارات کیهان، ارمان گستر نوید، شرکت کاغذ پیک فراز، کاغذ گستران خاور، ایران‌چاپ، خراسان، نگار گستر ماهون، نوین ترخیص باقی و همشهری»، به تایید این معاونت رسیده است. در این اطلاعیه آمده است: موسسات مطبوعاتی حاضر در فهرست شرکت‌های مورد تایید این معاونت، موظف شده‌اند کاغذ وارداتی را در اختیار معاونت امور مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار دهند و این کاغذ مصرفی آن موسسه و روزنامه محسوب نمی‌شود.

تاکنون از مجموع درخواست‌های تایید شده معاونت مطبوعاتی، ۲۴۱۶ تن تامین ارز شده است؛ ۲۱۰۰ تن از این کاغذها تا اول مردادماه توزیع شده و ۱۵۰۰ تن نیز در حال توزیع است و ۴۶۰۰ تن کاغذ دیگر نیز تا اوایل شهریور توزیع خواهد شد.